

## ارزیابی مجدد سیاست امریکا در قبال ایران

اظهارات امروز من بر مبنای سه فرض  
استوار است:

اول: هیچ کشوری در دو دهه گذشته  
به اندازه ایران ایالات متحده را دچار اضطراب  
و دردسر نکرده است. مسائل ایران در سقوط  
یک رئیس جمهوری و خدشه دار کردن سابقه  
دیگری نقش داشته است. احساسات  
شدت یافته، مشاجرات لفظی به شدت جریان  
داشته اند و وارد کردن اتهامات متقابل حالتی  
دائمی یافته است.

دوم: رویارویی میان ایالات تحده و  
ایران - بین دو ملت و دو کشور که زمانی  
دوستان و شریکانی نزدیک بودند به نفع  
هیچ یک از این دو تمام نشده است. سالها  
عدم گفتگو نه به منافع ایالات متحده کمک  
کرد و نه به نفع ایران بوده است. به دلیل آنکه  
این کشور جامعه ای گذار است، امروزه در  
درون آن تغییرات مهمی در حال انجام است.  
رئیس جمهور خاتمی قصد دارد جامعه مدنی  
و حاکمیت قانون را ترویج و تشویق کند. او  
می خواهد به انزوای ایران پایان دهد و  
زندگی مردم ایران را بهبود بخشد. او  
به همسایگان ایران نزدیکتر می شود،  
همچنین در حال نزدیک شدن

چشم انداز تغییرات سیاستهای جهانی در  
قبال جمهوری اسلامی ایران به دلیل موفقیتهای  
آن در بهبود روابط با کشورهای مختلف، از جمله  
کشورهای عربی خلیج فارس و کشورهای اروپایی  
و بی رنگ شدن تحریمهایی که در کنگره  
ایالات متحده در طول سالهای گذشته علیه ایران  
به تصویب رسید، موجب شده است تا مقامات و  
دست اندر کاران سیاست خارجی امریکا طی یک  
سال گذشته به ارزیابی مجدد سیاست این کشور  
در قبال ایران بپردازند.

این ارزیابی در سخنان مقامات مختلف  
امریکایی، در زمانهای گوناگون و به شیوه های  
مختلف ابراز می شود بنابراین از میان این مطالب  
دو سخنرانی لی هامیلتون و ریچارد مورفی  
برگزیده شده است که در این شماره آورده  
می شود. مطلب زیر متن سخنرانی لی هامیلتون  
نماینده دموکرات مجلس نمایندگان امریکاست  
که در ۱۵ آوریل ۱۹۹۸ در شورای روابط خارجی  
این کشور در زمینه ارزیابی مجدد ایالات متحده  
نسبت به ایران، ایراد شده است. اهمیت این  
سخنان از آنجا ناشی می شود که لی هامیلتون  
عضو ارشد حزب دموکرات در کمیته روابط  
بین الملل مجلس نمایندگان می باشد. مقاله قبلی  
نیز که در همین سمت می باشد سخنان ریچارد  
مورفی یکی دیگر از مسئولان امریکایی است.

به ایالات متحده است، در حالی که در داخل ایران در یک مبارزه قدرت شدیدی درگیر است. من بر این اعتقاد هستم که ما نیاز داریم تا یک سیاست کار با ایران را شروع کنیم. این کار آسان نخواهد بود و و رسیدن به نتایج، زمان زیادی را طلب می کند. اما من قانع شده ام که چنین سیاستی بسیار بیشتر از سیاست امروز ما، یعنی مهار و منزوی ساختن ایران در خدمت منافع ملی امریکاست.

چالش کنونی این است که بدون وجود پیش شرط، راههایی برای شروع گفتگو با ایران پیدا کنیم تا بتوانیم به بسیاری از موضوعاتی که ما را از هم جدا می کند، بپردازیم. البته هیچ کس نمی تواند موفقیت این گفتگوها را تضمین کند. اما اگر مذاکره نکنیم، غیر از این نمی توانیم انتظار داشته باشیم که بن بست غیر قابل قبول جاری تداوم یابد.

### مسائل ایران

اهمیت ایران را نمی توان انکار کرد. ایرانیان مردمی مغرور با تاریخی طولانی و متمایز و فرهنگی غنی هستند. این کشور

پر جمعیت با جمعیتی بیش از ۶۵ میلیون نفر، در خلیج فارس، یعنی منطقه ای حیاتی برای منافع ملی ایالات متحده قرار داد. ایران تعدادی از بزرگترین حوزه های ذخایر نفت و گاز طبیعی جهان را در اختیار دارد و پس از عربستان سعودی دومین بزرگترین تولید کننده نفت منطقه محسوب می شود. نیمی از خط ساحلی خلیج فارس و یک طرف تنگه هرمز که از طریق آن نیمی از نفت خلیج فارس حمل می شود، در کنترل ایران است. این کشور با دریای خزر، قفقاز و آسیای مرکزی که در حال حاضر در آن ذخایر عظیمی از نفت و گاز کشف شده است، هم مرز است. ارتباطهای ضعیف ایالات متحده با ایران به موقعیت رقابتی شرکتهای امریکایی در آسیای مرکزی آسیب می رساند و آوردن ذخایر انرژی جدید را به بازارهای جهانی مشکلتر می کند.

ایران یک مرز ۹۰۰ مایلی با عراق دارد و رابطه ضعیف میان ایالات متحده و ایران به نحو قابل ملاحظه ای تأثیرات سیاست امریکا در قبال عراق را دشوارتر می سازد. تفاوت نظرات در مورد ایران، باعث ایجاد تنش میان ایالات متحده و نزدیکترین

همپیمانی اروپایی آن شده و انتقال تکنولوژی موشکی به ایران به طولانی‌ترین و مشکل‌ترین مشاجرات میان روسیه و ایالات متحده منجر گردیده است. همچنین اظهارات و اعمال ایران فرایند صلح خاورمیانه را مشکلتر ساخته است.

به طور خلاصه روابط ضعیف با ایران به شکل گسترده‌ای سیاست خارجی امریکا را با مشکل روبرو می‌سازد، بنابراین بهبود روابط با ایران می‌تواند به منافع قابل توجهی منجر شود. ایران با پیوستن به خانواده ملتها و تبعیت از قواعد آن می‌تواند کمک عمده‌ای به شکوفایی و ثبات منطقه‌ای بنماید و داشتن روابطی بهتر با ایران می‌تواند به سود منافع استراتژیک ایالات متحده باشد و شرایط را برای فرایند صلح خاورمیانه بهبود بخشد.

### سیاست امروزی ایالات متحده

سیاست جاری ایالات متحده صریح و روشن است: یعنی باید ایران را به دلیل مخالفت آن با فرایند صلح خاورمیانه، حمایت آن از تروریسم و گسترش سلاحهای کشتار جمعی مهار کنیم. حامیان این

سیاست به بعضی از دستاوردهای آن اشاره دارند، از جمله اینکه از این طریق انقلاب ایران گسترش نیافته؛ خلیج فارس با ثبات می‌ماند؛ جریان نفت به خارجی از خلیج فارس برقرار خواهد بود. از سوی دیگر اقتصادی ایران در مخاطره است؛ سرمایه‌گذاری خارجی در ایران کاهش یافته و خریدهای تسلیحاتی و تولید نفت ایران کمتر از میزان مورد نظر این کشور است. اما هیچ‌یک از افرادی که سیاست ایالات متحده نسبت به ایران را از ۱۹۷۹ به بعد مورد توجه قرار داده‌اند نمی‌توانند از این وضعیت راضی باشند، زیرا مسائل اصلی ما با سیاست خارجی ایران مورد بررسی قرار نگرفته است. سیاست ما ایستا بوده و دشمنی ما نسبت به ایران به همان اندازه عمیق و ریشه‌دار است که دشمنی ایران نسبت به ما. سیاست ما نسبت به ایران در برگیرنده موارد زیر است:

- گروهی می‌گویند که ما می‌خواهیم ایران «نه تنها در حرف، بلکه در عمل نیز تغییر یابد»  
- تعدادی از شعاری، سخن می‌گویند که «مهار دوجانبه» نامیده می‌شود.

- و گروهی پتکی را در لباس «قانون تحریمهای ایران - لیبی» که به ILSA معروف است، در دست دارند.

ما خواستار یک گفتمان دولت با دولت با ایران هستیم، اما در طول سالهای گذشته برای برداشتن قدمهایی جهت کمک به برقراری آن تمایلی نداشته ایم. ما خواستار آن هستیم که ایران سیاستهای خود را تغییر دهد اما در عین حال تمایلی به تعقیب یک استراتژی محتمل به منظور ایجاد تغییرات در آن دسته از سیاستهای ایران که منافع ما را تهدید می کند از خود نشان نداده ایم. ممکن است زمانی سیاست گذشته ما نسبت به ایران کافی بوده باشد، اما امروزه این سیاست غیرکافی و برای منافع ملی امریکا زبان آور است.

اجازه بدهید تا مسائل را با توجه به سیاست ایالات متحده توضیح دهم. اولاً ما خواستار آن هستیم ایران «نه در حرف بلکه در عمل» تغییر کند و خواستار یک گفتگو با ایران هستیم. ما می دانیم - و ایرانیان نیز می دانند - که ما خواستار گفتگو درباره چه هستیم. و - نیز - می دانیم که ایرانیان خواستار صحبت درباره چه هستند؟ اما این

گفتگو اتفاق نمی افتد و دلیل آن این است که یک عدم اعتماد اساسی میان ما وجود دارد. ایرانیان و حتی آنها که خواستار گفتگو هستند، عمیقاً از این امر هراس دارند که ایالات متحده به نحوی از چنین گفتگوهایی برای تحقیر و یا تضعیف ایران استفاده کند. بنابراین به جای تکرار بسیاری از اعتراضات درباره ایران - که به حق هم هستند - مهم است که بکوشیم تا سطح حداقلی از اعتماد لازم را برای آغاز گفتگوها به وجود آوریم زیرا از این طریق می توانیم اعتراضات خود را مطرح نماییم. ثانیاً سیاست «مهار دوجانبه» ایران و عراق کارایی ندارد و ادامه پذیر نیز نمی باشد. هفت سال پس از جنگ خلیج فارس، دوستان و همپیمانان ما علاقه چندانی برای تحریمهای نامحدود سازمان ملل علیه عراق ندارند. البته حداقل در مورد عراق، جامعه بین المللی با اعمال این تحریمها موافقت کرد ولی در مورد ایران چنین پایه ای برای موافقت وجود ندارد و چشم اندازی هم به چشم نمی خورد که ما بتوانیم همپیمانان خود را به پذیرش آن وادار کنیم.

تلاشهای ما برای منزوی کردن و مهار

ایران نه تنها ناموفق بوده، بلکه نتایج معکوسی داشته است. اینها موجب تنش های بزرگی با همپیمانان ما در اروپا و دوستان عربمان در خلیج فارس شده است. کشورهای کلیدی عرب نشست اقتصادی در قطر را که ایالات متحده از آن پشتیبانی می کرد، تحریم کردند، اما تمام کشورهای عربی در کنفرانس اسلامی تهران شرکت کردند. سعودیها هیچ کس را به کنفرانس قطر نفر ستانند، اما مهماندار رئیس جمهور پیشین آقای هاشمی رفسنجانی برای دو هفته در پادشاهی عربستان شدند. در واقع سیاست ما ایران را منزوی نمی کند، این سیاست، ایالات تحده را منزوی می سازد.

سوم: قانون تحریم ایران - لیبی (ILSA) برای منافع ایالات متحده زیان بار است. با در نظر گرفتن سیاستهای سال انتخابات در تابستان ۱۹۹۶، برای کنگره ساده بود تا به اعمال تحریمها در مورد شرکتهای خارجی که در بخش انرژی ایران و یا لیبی سرمایه گذاری می کردند رأی دهد. قانون تحریم ایران - لیبی با رأی یکپارچه اعضای مجلس نمایندگان از جمله من تصویب شد. من از این لایحه با شرایط های

زیادی که در آن هنگام توضیح دادم، حمایت کردم و اکنون براین باور هستم که رأی من یک اشتباه بوده است.

قوه مجریه نیز شرط های محکمی درباره این لایحه تحریم داشت، بنابراین اصلاحاتی در آن به عمل آورد، ولی این طرح همچنان طرح بدی است.

رئیس جمهور با اعضای لایحه آن را قانون کرد و او اکنون قویاً تلاش دارد تا از اجرای آن اجتناب کند. با توجه به اعلام سرمایه گذاری نفتی در میدان گاز پارس جنوبی متعلق به ایران در سپتامبر گذشته از سوی شرکت نفتی توتال فرانسه، شرکت گاز پرم روسی و پتروناس مالزیایی، اکنون رئیس جمهور با مجموعه ای از انتخابهای غیر قابل قبول روبروست. اگر او تصمیم بگیرد که تحریمهایی را علیه این شرکتها اعمال کند، دست به خطر بزرگی زده است. زیرا تصمیم به تحریم، موجب:

ایجاد برخورد گسترده ای با همپیمانان اروپایی خواهد شد و تلاشهای زیادی را که در حال حاضر برای حفظ حمایت بین المللی از سیاست ایالات متحده نسبت به عراق صورت می گیرد، تضعیف خواهد کرد.

همچنین حمایت‌های بین‌المللی برای تلاش جهت مهار ایران تضعیف خواهد شد و کوشش‌های ما برای جلب رئیس‌جمهور ایران برای گفتگو، که به شکلی دموکراتیک انتخاب شده است، صدمه خواهد دید؛ تلاش‌های جاری ما برای متقاعد ساختن روسیه برای قطع همکاری‌های موشکی با ایران به مخاطره خواهد افتاد؛ دستیابی به نفت دریای خزر را مشکل‌تر خواهد کرد؛ اتحادیه اروپا را مجبور خواهد کرد تا بحث و مشاجره درباره قانون تحریم ایران و لیبی و قانون هلمز-برتون را به سازمان تجارت جهانی بکشانند و تمامیت و یکپارچگی آن را با تهدید روبرو سازند. آنها مجبور به تلافی برضد صادرات و سرمایه‌گذاری ایالات متحده خواهند شد که به قیمت از دست رفتن مشاغل زیادی در ایالات متحده تمام می‌شود. اما اگر ایالات متحده تصمیم بگیرد تا تحریمها را اعمال و یا لغو نماید در این حالت نیز هزینه‌های زیادی دربر خواهد داشت. زیرا رئیس‌جمهوری با طوفان انتقاد افکار عمومی و بویژه اعضای کنگره روبرو خواهد شد. حتی اگر تحریمها لغو شود، تأثیر تحریمها بر روی روابط ایالات متحده با

اتحادیه اروپا و ایران نیز تقریباً به همان اندازه زیانبار خواهد بود. اصلاح در سیاست‌مان نسبت به ایران حتی از این نیز سخت‌تر است و شرکت‌های انرژی به سختی گله خواهند کرد، زیرا به رقیبان خارجی اجازه داده خواهد شد تا برای سرمایه‌گذاری در ایران پاپیش بگذارند، در حالی که مؤسسات امریکایی نمی‌توانند در ایران سرمایه‌گذاری نمایند. دقیقاً هم اکنون دولت امریکا عقلایی‌ترین سیاست را اجرا می‌کند یعنی بررسی مسئله بدون اینکه دست به اقدامی بزند. اما وظیفه رئیس‌جمهور اجرای قانون است و قانون تحریم ایران-لیبی او را در محظوری شدید نگاه می‌دارد. ما در تلاش‌های خود برای منزوی ساختن و تحریم ایران به طیف گسترده‌ای از دیگر منافع ایالات متحده زبان می‌رسانیم. سیاست جاری ما در قبال ایران عمیقاً خدشه‌دار است، اما اکنون ما در مقابل خود فرصت تازه‌ای داریم.

فرصتی برای یک شروع تازه  
برای اولین بار از ۱۹۷۹ که

دانشجویان ایرانی امریکاییها را در سفارت آمریکا در تهران به مدت ۴۴۴ روز به گروگان گرفتند. احتمال بهبود روابط ایران- آمریکا پدید آمده است. بسیاری از مشاجرات لفظی و برخی اعمال از سوی تهران در حال تغییر است. انتخابات ریاست جمهوری در ماه مه گذشته یک زلزله سیاسی بود. و ۶۹ درصد ایرانیان به تغییرات رأی دادند.

رئیس جمهور خاتمی تصمیم دارد تا فضای جامعه را باز کند، مقررات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را سهل تر سازد و محدودیتها و موانع با خارج را کاهش دهد، ایران بتدریج کثرت گراتر و انعطاف پذیرتر می شود، اما در عین حال خاتمی ارزشهای انقلابی و اسلامی خود را به کنار ننهاده است. هنوز در ایران نگرانیهای مربوط به حقوق بشر و همچنین نگرانی درباره رفتار با اقلیتهای مذهبی وجود دارد. هنوز فتوای مرگ در مورد سلمان رشدی وجود دارد. اکنون بر رئیس جمهور خاتمی فشار آورده می شود تا برنامه های خود را در مورد ایجاد مشاغل و رشد اقتصادی، تقویت حکومت قانون و پایان دادن به انزوای ایران عنوان کند. این وظیفه او به خاطر کاهش

قیمت نفت مشکل شده است. مشکل ترین تغییری که خاتمی می تواند عنوان کند، داشتن روابط بهتر با ایالات متحده است و این قدمی است که از نظر نمادین قدرت زیادی می خواهد. رئیس جمهور خاتمی اولین گام مهم را برداشته است. او واژه های مربوط به بحث از آمریکا را از عناوین «شیطان بزرگ» و «ام الفساد» به ایالات متحده به عنوان دارنده «تمدنی بزرگ» که در بسیاری از ارزشها با ایران اسلامی اشتراک دارد، تغییر داده است. خاتمی به تنهایی قصد ندارد تا دو دهه ضدیت شدید با آمریکا را دگرگون نماید. ایران همچنان به شدت درگیر میان محافظه کاران انعطاف ناپذیر و اصلاح طلبان باقی می ماند و مسئله ارتباط با ایالات متحده احتمالاً بحث انگیزترین زمینه میان آنان خواهد بود. آنچه ما انجام می دهیم و آنچه ما می گوئیم و نحوه ای که ما با ایرانیها رفتار می کنیم، می تواند اهمیت موضوعی زیادی داشته باشد و بر بحثها در داخل ایران تأثیر بگذارد.

بعضی در ایالات متحده این گونه استدلال می کنند که ایران در حال گرایش به سمت ماست و سیاست جاری ما مؤثر

است. آنها اشاره خواهند کرد که اکنون زمان آن نیست که ما رویکرد خود را تعدیل کنیم، و بالاخره اینکه ما باید به پافشاری خود در مورد تقاضاهایمان ادامه دهیم، و ایران را منزوی کنیم تا آنها خواسته‌های ما را بپذیرند. رویکرد جایگزین این است که نشانه‌هایی برای مسائل کلیدی بگذاریم که برای ما اهمیت دارد و در عین حال متقابلاً به ژست‌ها و اشارات، پیشنهادهای و اظهارات و اعمال مثبت ایرانیان پاسخ دهیم.

در شرایط پویایی جاری، من دومین رویکرد را ترجیح می‌دهم. تاکنون عدم انعطاف‌های فراوانی در سیاست خود داشته‌ایم. بنابراین حالا به انعطاف‌پذیری نیاز داریم. اکنون زمان تغییر سیاست است.

### ایالات متحده چه باید بکند؟

در مورد سیاست ایالات متحده نسبت به ایران یک راه حل ساده‌ای وجود ندارد اما ما می‌توانیم و باید به علائم ارسالی از سوی تهران پاسخ مثبت بدهیم. تغییرات به تدریج پدیدار خواهد شد، ما باید صبور و آماده برای شکست، رفتن به مسیرهای فرعی و دریافت

ضربه باشیم. راه حلی که من می‌خواهم پیشنهاد کنیم باید حاوی تابلوهای راهنمای متعددی باشد از جمله: برداشتن قدم‌هایی که ما را به سمت گفتگوهای رسمی هدایت می‌کند، یعنی:

اولاً ایالات متحده اکنون باید شروع به برداشتن گام‌هایی کند که به یک گفتگوی مستقیم رسمی با دولت ایران منجر می‌شود. این گفتگوی دولت با دولت را نمی‌توان با فشار انجام داد. هر دو طرف باید محتاطانه در جهت غلبه بر ۱۹ سال مشاجره لفظی و غفلت حرکت کنند. ما نیاز داریم تا واقع بین باشیم و از رهبران جمهوری اسلامی نباید توقع داشت تا به دموکرات‌های جفرسونی تبدیل شوند. پیشرفت در گام‌های کوچکی نهفته است که تعدادی از آنها رسمی و تعدادی غیررسمی هستند. از این طریق ما به سمت پایان عدم اعتماد و جدایی که توسط هر دو رئیس جمهوری عنوان شده است، گام بر خواهیم داشت.

برای رساندن پیام، در آغاز ایالات متحده باید مسیرهای مختلفی را برای تماس با ایران و مردم آن مورد استفاده قرار دهد. همان‌گونه که رئیس جمهور



خاتمی برای رساندن پیام خود به ایالات متحده شبکه سی.ان.ان را انتخاب کرد، پرزیدنت کلینتون - با یک مقام عالی‌رتبه دیگر - می‌تواند مستقیماً با مردم ایران از طریق مصاحبه در رادیو تلویزیون ایران و یا از طریق بخش فارسی صدای امریکا سخن بگوید. مقامات امریکایی همچنین باید یک تا دو میلیون نفر جامعه ایرانیان مقیم امریکا را درگیر سازند، زیرا از این طریق، پیام مطمئناً به ایران خواهد رسید. تمام مقامات وقتی درباره ایران برای گروه‌هایی مثل این گروه یا گروه‌های مسائل خارجی، مجامع تجاری و صنعت نفت، سازمان‌های حقوقی علاقه‌مند به خاورمیانه و یا گروه‌های دانشگاهی صحبت می‌کنند، می‌توانند این پیام را بفرستند که ما به یک گفتگوی جدی علاقه‌مند هستیم.

استاد‌هایی به «رفتار»، ایرانیان خاتمه دهیم، ما نباید بی‌جهت تهاجمی باشیم، بلکه باید درباره «سیاستها» یا «اقدامات» صحبت کنیم، بر موارد مثبت تأکید کنیم و در بیانیه‌های عمومی از تقارن و تناسب سود جوییم. مقامات امریکایی می‌توانند به «روابط عالی میان مردم دو کشور» و تمدن بزرگ ایران اشاره نمایند. چنین زبانی تأثیر زیادی بر مردمی دارد که به فرهنگ و میراث غنی خود افتخار می‌کنند. ما باید نارضایی و شکایات را بدون پذیرش سرزنش‌ها و یا سرزنش کردن تصدیق کنیم. در اظهارات رسمی یا سخنرانی‌ها می‌توانیم «تأسف» خود را در مورد موقعیت روابطمان توضیح دهیم. در انجام این کار تمایلمان را برای پایان دادن به ۲۰ سال اتهام‌زنی متقابل و خط و نشان کشیدن نشان می‌دهیم.

### تغییر سیاست ویزا:

ایالات متحده همچنین باید سیاست‌های ویزای خود را برای ایرانیان تغییر دهد. ما باید قواعد جاری خود را که ایرانیها را به طور جمعی از طریق تأخیرهای طولانی مدت و برای همه طبقات درخواست‌کننده

### متناسب ساختن پیام:

ما چگونه پیام را مناسب سازیم؟ برای این کار باید به دادن القابی همچون کشور «متمرد» یا «یاغی» به ایران پایان دهیم، این واژه‌ها در بردارنده هیچ منافعی برای گفتگوهای جدی نیست. ما باید از دادن

ویزا، تنبیه می کند، کنار بگذاریم. این قواعد هفته های زیادی افراد را برای تکمیل مراحل ویزا معطل می کند. تغییر قواعد ویزا نمادین نیست زیرا برای مردم واقعی دارای مفهوم واقعی است. این کار توسط مردم ایران و همچنین جامعه ایرانی- امریکایی مورد استقبال قرار خواهد گرفت. هنگامی که تیم کشتی امریکا در ماه فوریه به تهران مسافرت کرد از سوی دولت ایران با آنها محترمانه رفتار شد در حالی که ده روز پیش ایالات متحده با کشتی گیران ایرانی همانند جنایتکاران معمولی رفتار کرد و آنها را در فرودگاه به مدت دو ساعت برای گرفتن اثر انگشت و عکس معطل کردند. این کار برای آنان تحقیرکننده و برای ایران اهانت آمیز بود و مستقیماً در جهت خلاف منافع ما یعنی نشان دادن تمایل به توسعه روابط بهتر حرکت می کرد. در همان هنگام که ما به دلایل امنیتی و رعایت کامل قوانین مهاجرت باید احتیاطات لازم را به عمل آوریم، نباید بیش از حد ایرانیها را با تأخیرهای طولانی، مخارج و تحقیر روبرو سازیم.

### گرد آوردن متخصصان:

ما باید پیشنهاد رئیس جمهور خاتمی را در مورد افزایش مبادلات غیررسمی به عنوان قدمی در جهت احیای مباحثات مدنی میان ایران و ایالات متحده بپذیریم. ایالات متحده باید یک کارمند دفتر اطلاعاتی امریکا را به سفارت سویس بفرستد تا برنامه های مبادلات با ایران را هماهنگ سازد. سیاستگذاران سابق، استادان، روزنامه نگاران، دانشمندان، هنرمندان، نویسندگان و نمایندگان سازمانهای غیرانتفاعی دو کشور باید با همدیگر ملاقات نمایند تا درباره موضوعاتی که مورد علاقه طرفین است، بحث کنند. این ملاقاتها به درهم شکستن برداشت های غلط و پیش داوریهایی که بر راه گفتگوهای آینده قرار دارند، کمک خواهد کرد. آنها می توانند به مسائل عملی فوری مثل تأثیر پزشکی جنگ افزارهای شیمیایی- که مردم ایران آن را خوب درک می کنند- و یا نقش دین در زندگی عمومی بپردازند. برای ایجاد اعتماد متقابل به منظور پرداختن به مسائلی که ما را از هم جدا می سازد، باید با همدیگر کار کنیم

تا مسائلی را که در آن سهیم هستیم حل

نماییم. در پرداختن به گذشته، گذشته‌ها هرگز فراموش نخواهند شد مگر اینکه بتوانیم مستقیماً با آنها برخورد کنیم. ایرانیها و امریکاییها نیازمند آن هستند تا در محیطی سالم در بارهٔ هر ناراضایی و شکایتی که از هم دارند، گفتگو کنند. و این موارد دربرگیرندهٔ کودتای ۱۹۵۳، نقش ایالات متحده در انقلاب ۷۹-۱۹۷۸ و بحران گروگان‌گیری ۸۱-۱۹۷۹ خواهد بود. اینها برای مردم هر دو کشور مسائل احساسی هستند، اما اگر به آنها نپردازیم، همچنان روابط ما را زهرآگین خواهند کرد. البته نیازی نیست که بازبینی را فقط به رویدادهای ناخوشایند محدود کنیم. در بررسی گذشته‌ها، کنش‌های مثبت زیادی خواهیم یافت که هر دو طرف آنها را عمداً در سایهٔ ناسزاگوییهای دهه‌های اخیر به فراموش سپرده‌اند. ما می‌توانیم به کمکهایی که توسط بسیاری از امریکاییان به تاریخ نوین ایران شده و همچنین کمکی که بسیاری از ایرانیها به پیشرفتهای علمی و فنی امریکا کرده‌اند، توجه نشان دهیم.

در ارتباط با مسائل اصلی: این رویکرد قدم به قدم ما را به دومین علامت راهنما در طی مسیر برای یک رابطهٔ تازه با ایران خواهد رساند، یعنی: ایجاد اعتماد و اطمینان متقابل کافی برای پرداختن به مسائلی که بیشترین علاقهٔ هر کشور معطوف آن است. گفته‌ها و اعمال هر دو اهمیت دارند. زیرا گفته به عمل تبدیل می‌شود و به ایجاد عمل کمک می‌کند. برای مدت طولانی کلمهٔ «نه» بهترین کلمه برای مشخص ساختن این روابط بوده است. هم ایران و هم ایالات متحده نیازمند آن هستند تا از مرز فقط «نه» گفتن فراتر روند.

فرایند صلح خاورمیانه:

ایالات متحده نگران نگرش ایران دربارهٔ فرایند صلح است. اما نباید به سادگی بگوییم که ایران کلاً مخالف فرایند صلح است. ما می‌شنویم که ایرانیها به یاسر عرفات گفته‌اند که آنها از هر نوع حل و فصلی که مقامات فلسطینی و عرفات از آن حمایت می‌کنند، پشتیبانی خواهند کرد. اجازه دهید به ایرانیان بگوییم که از چنین اظهارات خصوصی استقبال می‌کنیم و تلاش خواهیم

کرد تا مقامات ایرانی بتوانند آن را آشکارا، علنی و مکرراً اظهار کنند.

### حمایت از تروریسم:

ما عمیقاً نگران حمایت ایران از تروریسم بین‌المللی هستیم. این امر موجب منزوی شدن ایران از سوی اروپا، سوءظن عمیق همسایگان آن و تحریم از سوی ایالات متحده شده است. روشن است که اکنون ایران در جستجوی آن است تا به انزوای خود پایان دهد: یعنی این دستور کار (Mandate) رئیس‌جمهور در انتخابات است. برای ارزیابی اینکه آیا ایران از حمایت از گروه‌های تروریستی دست می‌کشد باید از خودمان سه سؤال اساسی بکنیم:

- آیا ایران محدودیت‌هایی را بر فعالیت‌های نظامی گروه‌هایی که از آنها حمایت می‌کند، اعمال کرده است؟ آیا حزب الله در لبنان درباره عقب کشیدن از مرز اسرائیل در صورت خروج اسرائیل از لبنان سخن گفته است؟ ما باید تمایل ایرانیان را در تبدیل سخنانشان به اجرا آزمون کنیم. آیا ارسال محمولات نظامی از فرودگاه دمشق کاهش یافته است؟ ممکن است

دریافت جواب مشخص هنوز خیلی زور باشد. اما ما تمام اقدامات خاص، قابل انجام و قابل حصول برای قطع حمایت از خشونت سیاسی را که خواستار کنار گذاشته شدن آن از سوی ایران هستیم به اطلاع آنها خواهیم رساند.

آیا سیاست اعلام شده سازمان کنفرانس اسلامی (OIC) که در آن تروریسم توسط تمام دولتهای عضو محکوم شده است، توسط ایران که در سه سال آینده ریاست کنفرانس را برعهده دارد، حفظ و محترم شمرده خواهد شد؟

### سلاحهای کشتار جمعی:

در عین حال مسئله برنامه‌های ایران برای تولید سلاحهای کشتار جمعی هم وجود دارد. ما باید از انتقاد صرف از برنامه‌های ایران فراتر رویم و پیشنهاد‌های مشخصی را برای بیان نگرانیهایمان ارائه دهیم. در مورد مسائل هسته‌ای، ایالات متحده باید انجام گفتگوهای را زیر نظر سازمان ملل و یا نظارت IAEA (سازمان بین‌المللی انرژی اتمی) به همان شیوه کره شمالی، برای مسئله راکتور اتمی بوشهر، پیشنهاد کند. ایالات متحده باید روشن کند که مانع

خرید راکتورهای نیروی هسته‌ای ایران برای مقاصد غیرنظامی نخواهد شد، البته تا زمانی که کلیه تأسیسات هسته‌ای در ایران مورد محافظت قرار گیرد و این کشور به تمام نظارت‌های ویژه و درخواستها برای کسب اطلاعات درباره فعالیت‌های هسته‌ای اش پاسخ بگوید.

در مورد سلاح‌های شیمیایی، ایران در حال حاضر معاهده سلاح‌های هسته‌ای را امضا کرده است که براساس آن، این کشور می‌باید اطلاعات تفضیلی درباره برنامه‌های مربوط به سلاح‌های هسته‌ای خود را در دسترس قرار دهد. ما تلاش خواهیم کرد تا ایران به طور کامل اجرای معاهده را بپذیرد، و در عین حال آشکارا تأکید کنیم که هدف ما از انجام این کار دخالت در امور داخلی ایران نیست. در مورد سلاح‌های بیولوژیک، بهترین شرایط مورد نظر ما این است که تأیید و اجرای دقیق‌تر شرط وقیدهای موجود در معاهده موجود سلاح‌های بیولوژیک را که هر دو کشور ایران و ایالات متحده تصویب کرده‌اند، تشویق کنیم. در مورد موشک‌ها شدیداً تلاش می‌کنیم تا عرضه کنندگان روسی و سایرین را که به ایران کمک می‌کنند

منصرف سازیم. ما همچنین با هم‌پیمانان خود در حال گفتگو هستیم تا انتقال تکنولوژی - به ایران - را سخت‌تر کنیم. اینها قدم‌های مهمی هستند، اما می‌توانیم اقدامات دیگری نیز انجام بدهیم. در مورد تمام برنامه‌های تسلیحاتی ایران باید تلاش کنیم تا گفتگوهای مربوط به کنترل تسلیحاتی چندجانبه خاورمیانه را دوباره زنده نمائیم و موافقت ایران برای مشارکت در این گفتگوها را کسب کنیم. این گفتگوها در حال حاضر به دلیل اشکالات عمیقی که در فرایند صلح خاورمیانه به وجود آمده، متوقف شده است، اما باید برای رهبران ایران روش کنیم که از مشارکت آنها استقبال می‌کنیم و این گفتگوها را به عنوان راهی مناسب جهت افزایش امنیت منطقه‌ای تلقی نماییم، زیرا حتی اگر به سرعت منجر به امضای موافقتنامه‌ای نشود، می‌تواند به کاهش سوء تفاهم و افزایش شفافیت کمک کند.

#### ایجاد اطمینان:

با توجه به نگرانی‌های ایالات متحده درباره سیاست‌های ایران باید همچنین - آشکارا و یا به طور خصوصی - روشن سازیم

که هیچ قصدی برای کاربرد گفتگوی های دوجانبه رسمی جهت بدنام کرد ایران و انقلاب آن نداریم. هدف گفتگو، ایجاد اعتماد و جستجو برای تغییرات سیاسی است و نه واژگون کردن انقلاب ایران. باید روشن کنیم که ما از حاکمیت و تمامیت ارضی ایران حمایت می کنیم و هیچ دشمنی نسبت به اسلام که یکی از بزرگترین ادیان جهان است، نداریم و درصدد آن نیستیم تا دولت ایران را ساقط کنیم، ما در هیچ فعالیت پنهانی برای انجام چنین کاری مداخله نداریم و مایلیم تا سریعاً به شکایات موجود و مسائل مالی که از انقلاب ۱۹۷۹ و بحران گروگان گیری به جای مانده است، بپردازیم. از سال ۱۹۸۱ در گفتگوهای شبه تجاری در لاهه ما از حدود ۳۸۰۰ ادعای تجاری، همه را بجز ۱۶ مورد حل و فصل کرده ایم، و همچنین از تمام ۱۰۷ ادعای دولت در برابر دولت بجز ۱۷ مورد همه حل و فصل شده است. البته هنوز اختلافات شدید حل نشده ای در باره خریدهای گذشته نظامی ایران از ایالات متحده باقی مانده است، اما تغییر فضای سیاسی می تواند به ختم این فرایند کمک کند. ما نباید برنامه ای را برای ایجاد

دراديو آزاد ايران، به اجرا بگذاريم. هدف ما امروز نبايد پخش تبليغات خصمانه عليه ايران باشد و بايد كليۀ وجوهی را که برای مبادلات آژانس اطلاعات ایالات متحده وجود دارد مجدداً برنامه ریزی کنیم.

### تغییر سیاست اقتصادی ایالات متحده

سومین قدم مهم در روابط امریکا - ایران باید تعقیب یک گشایش اقتصادی باشد. مانع اصلی در این مورد اولین دستور اجرایی خود رئیس جمهور در مورد ممنوع ساختن تجارت با ایران است. ایالات متحده باید علائمی به ایران بفرستد مبنی بر اینکه هنگامی که گفتگوهای با اختیارات رسمی شروع می شود و در آن پیشرفت صورت می گیرد، ایالات متحده آمادگی دارد تا دستور اجرایی را تسهیل کند.

### قدم به قدم:

اولین قدم که باید به زودی برداریم این است که به شرکتهای امریکایی مجوز شروع گفتگو با ایران را صادر کنیم. همین حالا شرکتهای امریکایی - بویژه شرکتهای انرژی - نه فقط در بازار ایران بلکه در تلاش

برای توسعه منابع انرژی دریای خزر از دیگران عقب مانده اند. مؤسسات آمریکا جریمه شده اند، زیرا حتی نمی توانند با همتایان ایرانی خود به گفتگو بپردازند. کشورهای ثالث، قراردادهای و بازارهایی را که ما خودمان را از آن محروم کرده ایم در اختیار می گیرند. ما نباید با مؤسسات امریکایی بدتر از مؤسسات خارجی رفتار کنیم بلکه باید به آنها اجازه بدهیم تا با ایران صحبت کنند، بنابر این آنها می توانند، هنگامی که تحریمها علیه ایران برداشته شد، آماده برای رفتن باشند.

### کنفرانس - اقتصاد خاورمیانه و آفریقای شمالی<sup>(۱)</sup>

ما باید ایران را دعوت کنیم تا به کنفرانس اقتصادی خاورمیانه و آفریقای شمالی ملحق شود. ممکن است ایران علاقه ای به شرکت کردن در این کنفرانس نداشته باشد، اما نباید این کشور توسط ایالات متحده از فهرست حذف شود.

احتمالاً خشن ترین چالش وجود قانون تحریم علیه ایران و لیبی است. همان طور که

قبلاً اشاره کردم، اعمال تحریم بر شرکتهای خارجی که در ایران سرمایه گذاری می کنند، طیفی از منافع ایالات متحده را به مخاطره می اندازند. بنابر این سه راه وجود دارد که سیاستهای خودمان را از محدوده قانون تحریم ایران و لیبی خارج کنیم.

اولین و بهترین راه حل برای قانون تحریم ایران - لیبی عبارت خواهد بود از تغییر در سیاستهای ایران در باره تروریسم و سلاحهای کشتار جمعی. زیرا از این طریق قانون تحریم ایران - لیبی و تحریمهای مربوط به آن دیگر کاربردی نخواهد داشت.

البته این مسئله دقیقاً چیزی است که ما امیدواریم در یک گفتگو با اختیارات رسمی مقامات دو طرف با ایران به انجام برسد. اما تغییر در این سیاست نیازمند زمان است در حالی که سرمایه گذارهایی که در ایران انجام می شود و ظاهراً قانون تحریم ایران - لیبی را نقض می کند قبلاً انجام شده است.

دومین راه حل برای مخمصه «قانون تحریم ایران - لیبی» چیزی است که در قانون مربوط به آن پیش بینی شده است؛ یعنی موافقت بین ایالات متحده و سایر دولتها در

1. Middle East and north africa

مورد برداشتن قدمهایی به سمت ایران که مسئله لغو تحریمها را توجیه خواهد کرد. اکنون چند ماه است که دولت (امریکا) در جستجوی نیل به چنین توافقی است. تحت ریاست دوره ای انگلستان بر اتحادیه اروپا آقای کوک وزیر خارجه انگلیس تلاش می کند تا محدوده توافق ایالات متحده - اروپا را در مورد سیاستهای منبع گسترش سلاح های کشتار جمعی نسبت به ایران گسترده تر سازد. اما ما نیاز داریم تا در باره چیزی که می توانیم با اروپاییها به توافق برسیم و چیزهایی که نمی توانیم، چشم انداز روشنی داشته باشیم. اروپاییها هرگز و به هیچ وجه کاربردهای فرامرزی قانون امریکا را نمی پذیرند. ما در باره برداشتن قدمهای اساسی برای محدود سازی سلاحهای کشتار جمعی به توافق می رسیم، اما بجز در مورد تغییرات چشمگیر در ایران، اتحادیه اروپا احتمالاً هیچ گاه با تحمیل تحریمهای گسترده اقتصادی بر ایران موافقت نخواهد کرد. دستیابی به تغییرات در ایران و یا توافق با همپیمانان نیازمند زمان است.

سومین گزینش در مورد ILSA -

قانون تحریم ایران - لیبی به گونه ای که

حتی تعدادی از حامیان قدرتمند قانون کنونی تشخیص می دهند، این است که اتخاذ تصمیم برای اعمال تحریم را به تأخیر بیاندازیم. قانون نمی گوید که چه هنگام رئیس جمهور باید تصمیم بگیرد، بنابراین نباید در اعمال تحریمها که آشکارا برای دیگر منافع ایالات متحده زیان آور است، شتاب شود. با این همه اگر افزایش فشار سیاسی، اجرای قانون را برای دولت ضروری سازد، تصمیمی که کمترین میزان خسارت را به منافع ملی ما وارد می سازد باید اتخاذ شود.

بنابراین می توان پرسید اگر جلوگیری از ورود خسارت به سیاست تجاری ایالات متحده، رابطه با قابل اتکاترین همپیمانان اروپایی و گشایش بالقوه ای در روابط با ایران آن گونه که بیان خواستاران لغو قانون تحریم ایران - لیبی است به «منافع ملی ایالات متحده» نیست، پس منافع ملی ما در چیست؟ قانون تحریم ایران - لیبی یک برخورد ناخوشایند میان نیازهای یک قانون تحریم محدود، غیر قابل انعطاف و نیازهای توسعه یابنده و غیر قابل پیش بینی سیاست خارجی امریکا به وجود آورده است.

امید من آن است که این مغایرت،



مشوق کنگره و ریاست جمهوری باشد تا آنها قانون تحریم ایران - لیبی را پس از منقضی شدن آن بعد از سه سال دوباره قوت قانونی نبخشند.

### حضور نظامی امریکا در خلیج (فارس) :

حضور تداوم یابنده و قدرتمند ارتش امریکا در منطقه خلیج فارس باید جزئی عمده از سیاست ما باشد. ایالت متحده و کلیه کشورهای پیشرفته جهان صنعتی منافع حیاتی در جریان یابی با ثبات نفت از خلیج (فارس) دارند. در عین حال هشت کشور منطقه ای خلیج (فارس) و از جمله ایران نیز در این مورد دارای منافع حیاتی هستند. حضور ارتش ایالات متحده در خلیج (فارس) به ثبات منطقه، حفظ توازن نظامی منطقه و حفظ صلح کمک می کند.

در دو موقعیت قطعی، در طول دوره بحران ایجاد شده با عراق - اولین آن در ۱۹۹۱ و دومین آن در زمستان [۱۹۹۷] - ایران با آرامش عملیات امریکا علیه عراق را پذیرفت و ایالات متحده نیز عملیات تکمیلی ایرانیها را در کمک به مهار عراق تشخیص داد. هدف حضور ارتش ایالات متحده در

خلیج (فارس)، ایران نیست. در واقع ایالات متحده منافع نیرومندی در مداخله ایران در مسائل امنیتی دارد، البته اگر عملیات آن نسبت به ما و نسبت به همسایگان در خلیج فارس حاکی از خویشتن داری و آشتی جویی باشد.

### آشتی جویی

من امروز یک نقشه دقیق، اما جاه طلبانه برای روابط امریکا - ایران ترسیم کردم. البته هنوز میدانهای مین متعددی در آن وجود دارد. اول اینکه (پرونده) قضیه بمب گذاری برجهای ال خبار در ۱۹۹۶ هنوز باز است. عربستان سعودی پرونده خود را بسته است و تحقیقات خود ما نیز به دلیل فقدان همکاری سعودیها متوقف شده است. اگر مشخص می شد که ایران مسئول بمب گذاری در برجهای الخبار - یا هر حادثه اخیر عمل تروریستی است - بویژه موردی که شامل امریکاییها نیز می شود - در آن هنگام پیش برد حرکت به سمت رابطه با ایران بسیار دشوار می شد. ثانیاً هنوز قانون تحریم ایران - لیبی وجود دارد. اگر رئیس جمهور براساس قانون تحریم ایران - لیبی اقدام

نیاز داریم و می‌خواهیم تا این گفتگوها را شروع کنیم، و بنابراین نیازمند سیاستی هستیم که ما را به آنجا برساند.

ترجمه: علی رستمی



به تحریم کند، این کار ضربه شدیدی به سیاست خارجی ایالات متحده به طور عام و امکان بهبود روابط با ایران به طور خاص وارد خواهد کرد. ما ممکن است خطر چین تصمیمی را از سر بگذاریم اما زمان دراز و تلاش زیادی خواهد برد تا خطای سیاسی ناشی از تصمیمات خودمان را اصلاح کنیم.

و بالاخره اینکه اصلاحاتی در خود ایران به چشم می‌خورد. ولی هنوز مبارزه ایدئولوژیک در ایران در جریان است. ما رویدادها را در ایران کنترل نخواهیم کرد، اما اگر برای مردم و دولت ایران روشن کنیم که آماده هستیم تا فصل جدیدی از روابط با ایران برقرار کنیم، حداقل می‌توانیم در حاشیه‌ها بر آنها تأثیر بگذاریم. ما آماده هستیم تا به اهانت‌های مرسوم بیست ساله پایان دهیم؛ و به علائم و اشارات مثبت دریافتی از سوی ایران گوش فرا داده و به آنها پاسخ دهیم، در آن صورت برای منافع ملی خطری نخواهد بود.

سیاست ما در قبال ایران باید به گسترده‌ترین منافع ملی آمریکا خدمت کند. ما به یک گفتگوی مدنی و محترمانه با کشوری مهم در یک منطقه ثروتمند و پرتنش